



کعبه مانند کتاب الهی از قداست و پایداری ابدی برخوردار است

آیت الله جوادی آملی در پیامی به حجاج بیت الله الحرام (۱۴۳۹ قمری) در پیامی به حجاج بیت الله الحرام، مطالبی را در خصوص عظمت کعبه و مناسک حج و وظیفه حجاج یادآور شدند.

آیت الله جوادی آملی در پیامی به حجاج بیت الله الحرام (۱۴۳۹ قمری) در پیامی به حجاج بیت الله الحرام، مطالبی را در خصوص عظمت کعبه و مناسک حج و وظیفه حجاج یادآور شدند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در بخشی از پیام خود اظهار کرد: درباره عظمت کعبه همین بس که فرمودند تا کعبه هست، دین هست و چون دین «إلى يوم القيامة»؛ هست، کعبه هم «إلى يوم القيامة»؛ خواهد بود. کعبه از نظر بنا نظیر آیات قرآن از نظر کلام است که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ». هر وقت آبرهه «إلى» بخواند به حرم امن کعبه اهانت کند، همواره «إلى طير ابابيل»؛ هست که به حیات او خاتمه می‌دهد.

ترجمه عربی: رسالة سماحة آية الله جوادی الآملی (دام ظلّه الوارف) إلى حجّاج بيت الله الحرام (۱۴۳۹ هـ).

متن کامل آیت الله جوادی آملی به شرح زیر است:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِلَى الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى «جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ»؛ وَ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمَا أَلْفُ التَّحِيَّةِ وَ الثَّنَاءِ يَهُمُّ تَتَوَلَّى «وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ»؛ تَتَبَرَّأُ إِلَى اللَّهِ.

حج و عمره و إحرام و زیارت و طواف همه شما بزرگواران، حاجیان و معتمران - إن شاء الله - مقبول پروردگار باشد و بهترین ضیافت را ذات اقدس الهی درباره «ضیوف الرحمن»؛ که مصداق بارز آن شما علوی «حسین»؛ و «حسینی»؛ ها و «حسینی»؛ ها هستید، صادقی و باقری و مهدوی (صلوات الله و سلامه علیه) «أَجْمَعِينَ» هستید، پیروان قرآن و عترت هستید، خدای سبحان بهره شما بفرماید!

مستحضر هستید که کعبه با بناهای دیگر فرق دارد. درباره عظمت کعبه همین بس که فرمودند تا کعبه هست، دین هست [۲] و چون دین «إلى يوم القيامة»؛ هست، کعبه هم «إلى يوم القيامة»؛ خواهد بود. کعبه از نظر بنا نظیر آیات قرآن از نظر کلام است که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» [۳]. هر وقت آبرهه «إلى» بخواند به حرم امن کعبه اهانت کند، همواره «إلى طير ابابيل»؛ هست که به حیات او خاتمه می‌دهد. [۴]

سرّ اینکه کعبه همانند کتاب الهی از قداست و پایداری ابدی برخوردار است، این است که با دست انبیا ساخته شده است. خلیل حق و ذبیح حق این بنا را احداث کردند، گرچه مسبوق به سابقه بود: «وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا» [۵]. با زمزمه «تَقَبَّلْ مِنَّا» این دو پیامبر بزرگوار، این بنا را بالا آوردند و همان طوری که مستحضر هستید قرآن «حبل متین»؛ خداست که از طرف ذات اقدس الهی به زمین آویخته شد، نه انداخته شد؛ یعنی آن طوری که خدا باران را نازل کرد، آن طور قرآن را نازل نکرد. باران به نحو تجافی از بالا به زمین آمد؛ یعنی خدا آن را از بالا به زمین انداخت؛ ولی قرآن به نحو تجلی از بالا به زمین آمد؛ یعنی از بالا آویخت. حبل خداست؛ لذا کسی که در محضر قرآن کریم است، با این حبل الهی در تماس است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» [۶]. اگر حاصل شد، چون آن طرف حبل به دست خدای سبحان است، گویا با دست بی‌دستی الهی بیعت کرده است.

در جریان کعبه که می‌گویند اگر کسی «حجر الاسود»؛ را «إستلام» [۷] کرده است؛ نظیر آن است که با ذات اقدس الهی بیعت کرده باشد، با «ید بی‌دستی الهی بیعت کرده باشد» [۸] برای آن است که کعبه به صورت

درباره کعبه وقتی از امام(سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِ) سؤال می‌<w>zwnj</w>کنند که کعبه چون مکعب شکل است و شش سطح دارد؛ یکی بالا یکی پایین، چهار دیوار هم که دارد؛ چرا کعبه چهار ضلعی است و چهار دیوار دارد؟ حضرت فرمود، چون <w>laquo</w>اَلْبَیْتُ الْمَعْمُور</w>؛ چهار ضلعی است، بعد فرمود <w>laquo</w>اَلْبَیْتُ الْمَعْمُور</w>؛ چهار ضلعی است، چون عرش خدا چهار ضلعی است و عرش خدا چهار ضلعی است، چون کلماتی که مبنای اسلام است، چهار ضلعی است: <w>laquo</w>اِنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِیْ بُنِیَ عَلَیْهَا الْاِسْلَامُ اَرْبَعٌ</w> [۹] و آن این است: <w>laquo</w>سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ</w>.

این کلمات چهارگانه که در بخشی تربیع است، بخشی تثلیث و بخشی تشبیه، پایش توحید است که همان <w>laquo</w>اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ</w> باشد. آن سه کلمه و ذکر هم که شما تحلیل می‌<w>zwnj</w>فرمایید، به توحید برمی‌<w>zwnj</w>گردد. <w>laquo</w>اَللّٰهُ اَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ</w> نیست، <w>laquo</w>اَللّٰهُ اَكْبَرُ مِنْ اَنْ یُّوصَفَ</w> [۱۰] است. او سبحان است از اینکه شریک داشته باشد. همه حمدها هم برای اوست: <w>rlm</w>﴿مَا یَكُمُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ﴾ [۱۱]، <w>rlm</w>﴿قَهْرًا حمد برای اوست. بازگشت این اذکار چهارگانه به یک ذکر است و آن تحلیل است که <w>laquo</w>اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ</w> باشد.

خدای سبحان وحدتش به صورت عرش، بعد به صورت <w>laquo</w>اَلْبَیْتُ الْمَعْمُور</w>، بعد به صورت کعبه ظهور کرده است. آن فیض کلمات چهارگانه، تنزل کرده است به صورت چهار دیواری کعبه درآمده است؛ مثل اینکه قرآن که در محضر ذات اقدس الهی، <w>laquo</w>اَللّٰهُ عَلَیِّ حَکِیْمٌ</w> [۱۲] است تنزل کرده، آویخته شده و به صورت <w>laquo</w>مبین</w> [۱۲] درآمد. اگر در آغاز سوره <w>laquo</w>حشر</w>؛ دارد که <w>laquo</w>اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا</w>، [۱۴] این قرآن را عربی قرار دادیم، در بخش بعدی فرمود: <w>rlm</w>﴿وَ اِنَّهُ فِیْ اَمْرِ الْکِتَابِ لَدَیْنَا لَعَلِیَّ حَکِیْمٌ﴾ [۱۵] یعنی این قرآن حبل متین است، بالای آن <w>laquo</w>اَللّٰهُ عَلَیِّ حَکِیْمٌ</w> است و پایین آن <w>laquo</w>عربی مبین</w> است. اگر قرآن بالای آن <w>laquo</w>اَللّٰهُ عَلَیِّ حَکِیْمٌ</w> است و پایین آن <w>laquo</w>عربی مبین</w>، کعبه هم بالای آن تسبیحات اربعه هست، پایین آن چهار ضلعی و یک اتاق چهار ضلعی و بنای چهار ضلعی است؛ لذا اگر کسی <w>laquo</w>حجر الأسود</w> را استیلام بکند، گویا با دست بی‌<w>zwnj</w>دستی خدای سبحان بیعت کرده است. تنزل کعبه از عرش است و تنزل به صورت تجلی است نه تجافی، یعنی وقتی بالا هست، پایین هم هست. وقتی پایین هست، بالا هم هست؛ منتها در هر مرحله <w>zwnj</w>ای مناسب آن مرحله است.

شما مستحضر هستید یک فقیه، یک حکیم، یک مفسّر، یک مطلب عمیق علمی را در عاقله خود می‌<w>zwnj</w>پروراند، بعد آن را تنزل می‌<w>zwnj</w>دهد در قوه وهم و خیال که به صورت تازی یا فارسی بنویسد یا بگوید، بعد شروع به نوشتن و گفتن می‌<w>zwnj</w>کند، به صورت یک کتاب درمی‌<w>zwnj</w>آید یا به صورت یک مقال یا مقاله. این سخنرانی یا این کتاب، تنزل یافته آن صورت خیالی و وهمی است. آن صورت خیالی و وهمی تنزل یافته آن صورت عقلی است. این تنزل است به نحو تجلی است نه تجافی و این حکیم یا متکلم یا فقیه می‌<w>zwnj</w>گوید من عین آنچه که در عاقله خود بود را گفتم و نوشتم؛ یعنی به نحو حبل متین است، به نحو آویختن است، نه انداختن.

بنابراین در کنار کعبه بودن، می‌<w>zwnj</w>توان با محدوده کعبه مأنوس بود و در کنار این سفره نشست و ضیف خدا شد در همین محدوده. می‌<w>zwnj</w>تواند ضیف بیت معمور باشد، می‌<w>zwnj</w>تواند ضیف عرش باشد که می‌<w>zwnj</w>شود <w>laquo</w>قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ</w> [۱۶]، می‌<w>zwnj</w>تواند بالاتر از عرش باشد که مهمان کلمات توحید و تسبیحات اربعه باشد.

قبلاً بزرگان، مطلبی که بر قلب خودشان القا می‌<w>zwnj</w>شد، می‌<w>zwnj</w>گفتند <w>laquo</w>حِکْمَةُ الْعَرْشِیَّة</w>، از باب اینکه <w>laquo</w>قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ</w>؛ بعدها هر مطلب بلندی را می‌<w>zwnj</w>گویند مطلب عرشی، وگرنه قبلاً بنا بر این نبود که هر کسی مطلب بلندی ولو دیگری گفته باشد را بگوید مطلب عرشی است؛ بلکه آنچه بر قلب خود القا می‌<w>zwnj</w>شد که <w>laquo</w>قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ</w> است، می‌<w>zwnj</w>شد مطلب عرشی.

شما حاجیان و معتمران و محرمان و زائران و طائفان که در جوار کعبه به سر می‌<w>zwnj</w>برید، مستحضر هستید که کعبه یک قداست خاصی دارد که تمام زندگی ما به کعبه وابسته است. مستحضر هستید که ما در تمام مدت عمر می‌<w>zwnj</w>گوییم: <w>laquo</w>وَ الْکَعْبَةُ قِبْلَتُنِیْ</w> [۱۷] اصلاً ما با کعبه نفس می‌<w>zwnj</w>کشیم، با کعبه زندگی می‌<w>zwnj</w>کنیم. نمازهای ما چه واجب چه مستحب به طرف کعبه است. خوابیدن مستحب است به طرف کعبه باشد.

تمام مذبح؛ها و ذبح و نحر حیوانات حلال؛گوشت به طرف کعبه باید باشد. احتضار ما به طرف کعبه است. نماز میت ما با سبک خاص به طرف کعبه است. دفن مرده؛های ما به طرف کعبه است. اصلاً تمام زندگی ما به طرف کعبه است. نشستن مستحب است به طرف کعبه باشد. در حال احتضار می؛گویند وضع محتضر به طرف کعبه باشد. اینکه می؛گوییم: «وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي»؛ یعنی اصلاً ما با کعبه نفس می؛کشیم، با کعبه زنده؛ایم، با کعبه می؛میریم و با کعبه هم محشور می؛شویم.

یک بیان نورانی اسحاق بن عمار نقل کرده است که امام فرمود: «مَنْ أَمَّاطَ أَدَى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ كَتَبَ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ»؛ اگر کسی راه کعبه را شستشو کند، رُفت؛وروب کند، تیغ و خار را از این راه بردارد، مانع را بردارد که زائران به آسانی راه مکه را طی کنند، این روایتی که مرحوم صاحب وسائل در کتاب حج وسائل نقل کرد این است که اگر «مَنْ أَمَّاطَ أَدَى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ»، کسی راه مکه را صاف کند، نگذارد این راه گرد و خاک داشته باشد، خاشاک داشته باشد، خدا حسنه برای او می؛نویسد. کسی که خدا حسنه برای او می؛نویسد، او را عذاب نمی؛کند. این راه مکه است.

ما نباید کاری کنیم که راه حج و زیارت بسته بشود. نباید کاری بکنیم که مسایل سیاسی را دولت؛مردان با مسایل حج و زیارت مرتبط کنند. این حج و زیارت سرچایش محفوظ است، آن مسایل سیاسی دولت؛ها باهم سرچایش محفوظ است. این بیان نورانی امام(سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) است که فرمود هر کسی راه مکه را باز کند! «إِمَامَةٌ»؛ با طاء مؤلف، یعنی برطرف کردن. «مَنْ أَمَّاطَ أَدَى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً». آن وقت راه مکه را نباید بست. راه حج و زیارت را با راه سیاست نباید مخلوط کرد. اینها حسابشان جداست، آنها حسابشان جداست. دولت؛مردان حسابشان جداست. شرق و غرب عالم جداست و کعبه باید امیدوار بود روزی از دست بیگانه؛ها آزاد شود، چقدر اصرار هست که «صَرُورَةٌ»؛ مستحب مؤگد است که وارد کعبه شود. ای کاش به جایی می؛رسیدیم که این در باز بود و عده زیادی که مخصوصاً «صَرُورَةٌ»؛ و کسانی که سال اول آنهاست، این ضیافت را با عبور از دری به در دیگر و خروج از دری دیگر از نزدیک احساس کنند! این دستوره‌های دینی ماست و به قدری جریان طواف و زیارت کعبه معتبر است که اگر عده؛ای توفیق پیدا نکردند، حاکمان اسلامی و والیان دینی بر آنها واجب است که عده؛ای را به طرف کعبه اعزام کنند. [۲۰] این جریان بعثه از همین قبیل است؛ منتها الآن به لطف الهی زائران فراوانی هستند، وگرنه اگر کسی نیاید، بر والی لازم است که عده؛ای را به کعبه اعزام کند که این بیت خالی نشود؛ چه اینکه مشابه این در جریان زیارت سالار شهیدان(صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) هم همین طور است.

حداکثر بهره را شما حاجیان و معتمران و زائران ببرید. در کنار کعبه جز نام و یاد حق چیزی به سر نبرید و حتماً قرآن را تلاوت کنید، حداقل یک دور قرآن را بخوانید و دعا کنید، دعای شما - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - مستجاب است و برای جامعه انسانی و اسلامی در شرق و غرب عالم دعا کنید!

امیدواریم همه شما زائران، حاجیان، مُحَرَّمان، معتکفان به عنوان بهترین «ضیوف الرحمن»؛، این مناسک را به پایان برسانید و سالم‌اً به اوطان خود برگردید!

«غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»

مهرنوش محمدزاده